

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، پاییز ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۶

بازتاب گزارش واقعه عاشورا در متون تاریخنویسی از ابتدای دوره قاجار تا زمان مظفرالدین شاه

سیاوش یاری^۱
شایان کرمی^۲
محمد بنشاکته^۳

چکیده

اهمیت واقعه عاشورا در تاریخ اسلام و تأثیر آن بر جوامع اسلامی از دیرباز تا کنون محل بحث و بررسی بوده است. پژوهشگران اسلامی هر یک با توجه به بینش و زاویه نگرش خود برداشت‌هایی از این رخداد را در آثار خود ثبت کرده‌اند. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که شرایط سیاسی، نظامی و فرهنگی دوره قاجاری تا عهد مظفری چه ارتباطی با ساخت گفتمان‌های مربوط به واقعه و مناسک عاشورا و انعکاس آنها در جامعه داشته است؟ این پژوهش با نگاهی تاریخی و با رویکرد تحلیلی-توصیفی درصدد تبیین تأثیر ساحت‌های گوناگون ابتدای دوره قاجار تا عهد مظفرالدین شاه بر گفتمان‌های حماسی، عاطفی، خرافه محور و تقدیرگرایانه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر یک از نویسندگان برجسته این عصر خوانشی متفاوت از واقعه عاشورا داشته و این امر در متن جامعه قاجاری نیز تأثیری بسزا داشته است؛ به گونه‌ای که گاه اصل واقعه مورد تحریف، سوء برداشت و بهره‌برداری نادرست قرار می‌گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تحریفات عاشورا، قاجاریه، تاریخنویسی، عاشورا.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول). s.yari@ilam.ac.ir

۲. مدرس مدعو گروه تاریخ دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. shayan_karami99@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. m.benshakhteh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۰۱/۱۰/۲۵

The reflection of the 'Āshūra report in writing historical texts from the beginning of the Qajar period to the time of Mozaffar al-Din Šāh

Siavash Yari¹

Shayan Karami²

Mohammad Benshakhteh³

Abstract

The significance of 'Āshūra in the history of Islam and its impact on societies has been a subject of discussion since long ago. According to their vision and insight, Islamic researchers, have recorded impressions of this event in their works. The main question of the current research is what the political, military, and cultural conditions of the Qajar period up to the Mozaffar al-Din Šāh era had to do with the construction of discourses related to the events and rituals of 'Āshūra and their reflection in the society? This research, with a historical perspective and analytical-descriptive approach, aims to scrutinize the impact of various areas from the beginning of the Qajar period to the reign of Muzaffar al-Din Shah on epic, emotional, superstition-oriented, and fatalistic discourses. The findings of the research show that each of the prominent writers of this era had a different reading of the 'Āshūra event and this had a great impact on the Qajar society. Therefore, sometimes the essence of the event has been distorted, misunderstood, and misused.

Keywords: distortions of 'Āshūra, Qajar dynasty, historiography, 'Āshūra.

1. Associate Professor, Department of History, Ilam University, Ilam, Iran (Corresponding author). s.yari@ilam.ac.ir

2. Adjunct Lecturer, Department of History, Ilam University, Ilam, Iran. shayan_karami99@yahoo.com

3. Master's student in Shi'ite history, Department of History, Ilam University. m.benshakhteh@gmail.com

درآمد

واقعه عاشورا پس از سال ۶۱ تاکنون در میان اندیشمندان شیعه و سنی و در متون کلامی، سیاسی و تاریخی متفکرین مسلمان بازتاب داشته است. این بازتاب گسترده به سبب برجستگی، اهمیت، پیامد و آثار ویژه آن واقعه است. در دوره قاجاریه نیز مانند ادوار پیشین، بزرگداشت امام حسین (علیه السلام) در ماه محرم و سنن دیگر در پیوند با عاشورا بازتاب داشته است. پُر واضح است که شرایط زمانی در گزارش رخداد عاشورا توسط مورخ اثرگذار است؛ بنابراین بینش تاریخنगर همواره در معرض کنش های اجتماعی و تحت تأثیر مستقیم آن است. این امر با ابزار تحلیل توسط محققین نمایان می شود. در دوره مورد پژوهش، نویسندگان بسیاری به انعکاس رخداد عاشورا در کتاب های خود پرداخته اند و هرکدام به روش خاصی به ثبت و ضبط آن واقعه روی آورده اند. نگارندگان پس از بررسی متون دوره قاجار با تکیه بر شش منبع، تأثیر گفتمان های موجود در آن متون بر جامعه قاجاری را روشن ساخته اند. این منابع از نظر سبک، روش و مولفان آنها جایگاه شاخصی در جامعه داشته اند.

گفتمان ها در تأثیر مستقیم با فضای موجود پدیدار شده و در لایه های زیرین اجتماع به صورت آشکاری رسوخ پیدا می کنند. در این پژوهش «متون» به صورت عام در نظر گرفته شده و متن های تاریخنगरانه با چهارچوب مختص به خود و نیز کتاب هایی که با آن روش نگاشته نشده اند را در برمی گیرد. از دسته اخیر می توان به سفرنامه ها و خاطره نویسی ها اشاره کرد که چون در ترسیم فضای دوران قاجار در رابطه با فرهنگ عاشورا با رعایت جزییات به تصویرسازی وقایع پرداخته اند، با تسامح در تراز متون تاریخنویسی قرار داده شده اند. از دو گفتمان مهم درباره واقعه کربلا که در کتاب های آن دوره استفاده شده، مشخص می شود که تبیین این گفتمان ها در رابطه با حرکت امام حسین (علیه السلام) تحت تأثیر فضای جامعه و در برخی مواقع همسو با سیاست های کلی دولت قاجار بوده است. چهار گفتمان به صورت اصلی در این پژوهش در آثار شش نویسنده مورد بررسی قرار گرفته است. گفتمان حماسی در آثار عبدالرزاق بیگ دنبلی و جهانگیر میرزا، گفتمان عاطفی در آثار سپهر، معتمدالدوله و ملا آقا دربندی که غلو و

خرافه نیز در اثر او نمایان است؛ این دو تحت عنوان گفتمان خرافه محور بیان شده است و گفتمان تقدیرگرایانه در اثر شوشتری نمود بیشتری داشته است. نگارندگان پس از تتبع و بررسی متون آن دوره تأثیر گفتمان‌های موجود در کتاب‌های این نویسندگان بر فضای عهد قاجار را روشن ساخته‌اند.

پیشینه پژوهش

کتاب جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه با تأکید بر مقاتل اثر رنجبر (۱۳۸۹ش)، با نگاه تک بعدی به واقعه عاشورا نوشته شده است. این کتاب مهمترین رویکرد به رخداد عاشورا (عاطفی - احساسی) را مورد بررسی قرار داده است. پایان‌نامه «آموزه‌های شیعی در متون تاریخی عصر قاجار از ابتدا تا پایان عصر ناصری» نوشته شریفی شکوه (۱۳۹۲ش)، درصدد تبیین تلقی مورخان این عصر از آموزه‌های شیعی است و معتقد است این امر با شناخت فضای حاکم بر اندیشه‌های رایج در مقوله‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قابل دسترس است. مقاله «عزاداری در عصر قاجار» اثر رمضان نرگسی (۱۳۸۵ش)، به شیوه عزاداری و توجه شاهان قاجار نسبت به مقوله بزرگداشت مراسم محرم پرداخته و از واکاوی کلیت قیام عاشورا در اندیشه مورخان آن دوره بحثی نشده است. در مقاله «جریان شناسی تاریخی رویکرد و قرائت حماسی اسطوره‌ای از واقعه عاشورا»، رنجبر (۱۳۸۸ش)، به تحقیق و پژوهش درباره ابعاد مهم رایج در کتاب‌های تاریخی از صفویه تا مشروطه پرداخته و پس از واکاوی در معانی و ارتباط حماسه و اسطوره به تحلیل مولفه‌ها، زمینه‌های عوامل رشد و پیدایی و ترویج رویکرد یاد شده پرداخته است. با توجه به آثار زیادی که در رابطه با موضوع مقاله تألیف شده است و هر یک از آنها از زاویه خاصی به این بحث پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد درباره تکیه بر گفتمان‌ها و اثربخشی آنها که به صورت حلقه واسط میان فضای موجود و اجتماع باشد تحقیقی صورت پذیرفته است و این امر تفاوت پژوهش حاضر با دیگر آثار تألیفی در این موضوع است.



جنگ‌های ایران و روس پدیدآور قرائتی حماسی از واقعه عاشورا

تهاجم روس به ایران در ابتدای دوره قاجار مبدأ تحولات بسیاری در جامعه قاجاری شد. این تغییرات در حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی نمود بیشتری داشت. همسو با هدف پژوهش می‌توان کنش حاکمان قاجار در ارتباط با مشاهد مورد تعظیم شیعیان با اهدافی خاص را بیان کرد که فضای موجود در علل این تحرکات بی‌تأثیر نبوده‌است.

۱) احترام به اماکن مقدس شیعه توسط شاهان قاجار

با تثبیت حکومت قاجار فصلی جدید در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران آغاز شد. متولیان حکومت کاملاً بر این امر واقف بودند که برای موافقت علما با سیاست‌های خود باید به کارهایی روی آورند که بتوان حمایت آن گروه صاحب نفوذ را کسب کنند. به سبب اعتبار بسیار زیاد این گروه در میان مردم و نیز قدرت دینداری در میان عامه جامعه، حاکمان قاجاری برای جلب نظر نهاد روحانیت و به تبع آن مردم، به تعمیر و بازسازی زیارتگاه‌های شیعیان پرداختند. در ابتدای دوره قاجاریه به دلیل عدم شکل‌گیری مراسم محرم مانند ادوار بعد، مورخین به ذکر کارهای پادشاهان نخستین قاجار نسبت به مشاهد مشرفه روی آوردند. آقا محمدخان به «تعمیر روضه منوره حضرت علی بن موسی الرضا و تذهیب قبر منور اباعبدالله الحسین علیه‌السلام» پرداخت (اعتضادالسلطنه، ۲۷).^۱ فتحعلیشاه نیز از این سیاست پیروی کرد و آن را گسترش داد. سیاست مذهبی فتحعلیشاه برای عتبات عالیات که جزو اصول اعتقادی و باورهای عمیق علما و مردم به شمار می‌رفت در جایگاه والایی قرار داشت (قدیمی قیداری، ۹۳-۹۲). این اقدامات علاوه بر کسب مشروعیت برای دربار قاجار، هم‌اکنون ساختن علما و عامه مردم را نیز در پی داشت. در دهه‌های بعد، شاه قاجار علاوه بر حضور مستمر در مراسم و صرف هزینه‌های گزاف، از بانیان اصلی مجامع عزای

۱. اعتضادالسلطنه از مورخین حکومتی و از فرزندان فتحعلیشاه بود که مدتی نیز به کارهای سیاسی مشغول بود (بامداد، ۴۴۲؛ یغمایی، ۱۶).

حساب می‌آمد.

نهاد روحانیت شیعه که با توجه به بافت مذهبی جامعه ایران، ساختاری قدرتمند و ذی‌نفوذ در لایه‌های اجتماع و همچنین در دربار پادشاهان داشت در هنگام تهاجم روس، همسو با دربار و با بهره‌گیری از مفاهیم دینی به عنوان نیروی تحریک کننده مردم به شمار می‌رفت.

۲) روحانیت و تهییج احساسات مذهبی مردم

در دوره قاجار به دلیل حملات نظامی نیروهای روس، تحولات عمیقی در ساختار سنتی حکومت پدید آمد. به موازات سیاست‌های جدیدی که ایران ناخواسته درصدد پذیرش آن بود، مورخین و نویسندگان نیز به تحلیل، بررسی و توجیه شرایط جدید پرداختند. شکست‌های پیاپی ایران از روسیه باعث شد تا بسیاری از رجال متنفذ حکومت، اصل عقب‌ماندگی ایران را پذیرفته درصدد جبران برآیند (لمبتون^۱، ۲۳۶). در جریان حمله روسیه به مناطق مسلمان‌نشین قفقاز که نتیجه آن جدایی سرزمین‌های زیادی از ایران بود، شاه قاجار درصدد جبران برآمد تا بدین‌وسیله از کاهش اعتبار خود در میان مردم جلوگیری کند؛ بدین ترتیب زمینه‌های نبرد دوم با روسیه تدارک دیده شد. تسلط کفار بر سرزمین مسلمانان که آیات صریح قرآن نافی آن است و در قالب قاعده «نفی سبیل» قسمتی از فقه شیعی را دربرگرفته است؛ علما را به چاره‌جویی واداشت. هنگامی که مؤمنین و دولت قاجاریه دست نیاز به‌سوی روحانیون دراز کردند، ایشان با طیب خاطر برای راندن کفار روس از سرزمین‌های اسلامی تلاش کردند (دهقان نیری و همکاران، ۹۱-۹۲). مورخین این دوره نیز با توجه به وضعیت پیش آمده به نقل و ثبت گزارش‌هایی درباره قیام عاشورا روی آوردند. یکی از این مورخان، عبدالرزاق بیگ دنبلی^۲ است. دنبلی (۲۲۲) به تهییج علما با بهره‌گیری از ماه محرم و واقعه عاشورا اشاره دارد. او با بهره‌گیری از مقام شهید و جایگاه والای آن در ادبیات دینی مقتولین این جنگ‌ها را «شهید» نامید.

۱. ایران شناس و از محققان شاخص تاریخ تحولات دوره سلجوقی تا قاجار است.

۲. از مورخین هواخواه حکومت قاجار در دستگاه عباس میرزا نایب السلطنه بود.

بهره‌گیری از رخداد عاشورا برای سربازگیری در مقابل روس در اولویت برنامه‌های علمایی قرار داشت که در میان مردم جایگاهی داشتند. آنان با استفاده از فضای حزن انگیز محرم و ارتباط آن با شرایط پیش آمده نوعی رابطه ایجاد کرده و از این طریق شور و احساس فراوانی به لشکریان انتقال می‌دادند. این احساس برای سربازان در مقابله با دشمن نوعی هیجان مقدس ایجاد می‌کرد (جهانگیرمیرزا، ۴۴).^۱

با توجه به جایگاه علما در بین مردم این‌گونه فتواها تأثیر زیادی بر روند جنگ داشت. در این‌گونه احکام، لشکر قاجار سپاه دین معرفی شده و مردم با شور و اشتیاق به آن می‌پیوستند. تأکید بر تقابل میان اسلام و کفر و نوع رفتار لشکر روس با مسلمانان مناطق تصرف شده، محتوای دائم منابر این روحانیون بود که به کثرت سپاه قاجاری و خشمگین کردن آنان برای مقاومت در مقابل سپاه دشمن مؤثر بوده است (دنبلی، ۲۲۴). علما و مجتهدین این دوره که در تشویق مردم به جهاد نقش مهمی بر عهده داشتند، به تبعیت از فضای سیاسی موجود با تحت تأثیر قرار دادن مردم نسبت به واقعه عاشورا و احتمالاً تشبیه فضای موجود به صحنه عاشورا، مردم را برای پیوستن به سپاه قاجاری تشویق می‌کردند. تأثیرات این‌گونه مجالس در مناطق جنگی به گونه‌ای بود که در پایان آن محافل نزد نایب السلطنه رفته و احساسات خود را مبنی بر هجوم به سپاه دشمن بیان می‌کردند (جهانگیر میرزا، ۴۴).

در جنگ‌هایی که در ماه محرم اتفاق می‌افتاد، رسوم تعزیه‌داری و آداب عزای نیز رعایت می‌شد. در محاصره حاکمان سبزوار و نیشابور توسط ناصرالدین‌شاه که در نهایت با شفاعت پادشاه افغانستان به صلح انجامید، نمودی از تمسک به مناسک ماه محرم توسط لشکر قاجار دیده می‌شود (حسینی فسایی^۲، ۶۷۷/۱). این امر علاوه بر وجاهت شخص شاه و سپاه قاجار که در بحبوحه جنگ نیز از اجرای مراسم کوتاهی

۱. جهانگیرمیرزا فرزند عباس میرزا و از مورخان درباری است که او و فرزندانش از دانشمندان دودمان قاجاری به شمار می‌روند. تاریخ نو نخستین کتابی است که در عهد ناصری نگاشته شده که به ماجرای تهاجم روس به مرزهای ایران پرداخته است (ناظری و سرفرازی، ۳۱).

۲. از مورخان دولتی به شمار رفته که کتاب خود را به دستور ناصرالدین شاه نوشته است.

نمی‌ورزند، می‌توانست به جذب افراد در لشکر شاه منجر شود.

چهارچوب این شیوه از تاریخنگاری بن‌مایه نظامی داشت. با توجه به این امر، مورخانی مانند دنبلی و جهانگیرمیرزا به پرداخت فهمی از عاشورا روی آورده‌اند که معطوف به زمان حال و شرایط موجود در جامعه بود. مورخ، ناظر بر اوضاع نظامی‌ای که در آن قرار داشت، ادراکی حماسی از رخداد عاشورا به تصویر می‌کشید. استفاده ابزاری از رخداد عاشورا به جهت اغراض سیاسی بیشتر در زمان جنگ‌های ایران و روس در ابتدای دوره قاجاری و نیز تحرکات ناصرالدین شاه به سمت افغانستان مشهود بود. اینگونه شرایط سیاسی در متن خود گفتمان حماسی داشت و برای دستگاه قاجاری نتایج مطلوبی در پی داشت. مردم به‌ویژه کسانی که تحت تأثیر این گفتمان در فضای جنگ‌ها قرار می‌گرفتند به‌طور کلی در دوران بین حماسه و احساس قرار گرفته از سویی حماسه آنان را به دفاع از وطن می‌خواند و از طرف دیگر بُعد احساسی آن توسط روحانیون تقویت شده و جایگاه شهادت و مقام شهید برای آنان ترسیم می‌شد. شاهان و فرماندهان قاجاری نیز در همگرایی با مردم در بزرگداشت شعائر دینی، خود را مدافع دین و شریعت نشان داده و موجب جذب مردم به سپاه قاجار در مقابله با تهاجمات خارجی می‌شدند.

شرایط فرهنگی و اجتماعی؛ موجد گفتمان‌های خرافه محور، عاطفی و تقدیرگرایانه

اوضاع و مبادلات فرهنگی در اجتماع انسانی و اخذ و پذیرش پاره‌ای از آنها توسط ساختارها و یا واحدهای انسانی امری طبیعی است. در این میان گاه اقتضائات فرهنگی که توسط مورخین ثبت شده می‌تواند مبدع نوعی خاص از گفتمان باشد؛ با تکیه بر این گفتار، شرایط اجتماعی و فرهنگی را می‌توان از علل پیدایش گفتمان‌های خرافه محور، عاطفی و مشیت انگارانه در کتاب‌های مورخین عهد قاجار در ارتباط با واقعه عاشورا به‌شمار آورد.

۱) گفتمان خرافه محور: تحریف در رخداد و مناسک عاشورا

منظور از این نوع گفتمان وجود پاره‌ای از روایات غالیانه است که در گذر زمان در کتاب‌های تاریخی به تحریف بخشی از رخداد منجر شده‌است. این امر گاه با اضافه شدن سنتی از فرهنگ اصیل ایرانی و یا با ورود خرافه به مناسک عاشورایی و دور شدن از پیام اصلی عاشورا مناسک مربوط به آن را تحت تأثیر خود قرار داده است.

۲) فرهنگ مردمی: متأثر از سنت ملی و فرهنگ دینی

در این بخش تمامی احکام و هنجارها از گذشتگان منتقل شده و به صورت موروثی در متن اجتماع جریان دارد و به تبع زندگی عموم مردم را تحت سیطره خود درمی‌آورد. آداب و رسوم محلی و دینی و تمام ظواهر جزئی زندگی متأثر از این امر است. می‌توان گفت خطر تحریف پس از هر واقعه‌ای امکان به حاشیه بردن اصل و یا بخشی از آن را با خود دارد. این امر رخدادهایی که زمان بیشتری از واقع شدن آنها سپری شده را بیشتر تحت شعاع قرار می‌دهد. در ارتباط با واقعه عاشورا گرچه اصل و کلیات آن ثابت و متواتر بوده اما نمی‌توان به طور مسلم گفت که تمامی روایات وارده در کتاب‌های تاریخی در ارتباط با آن صحیح و مستند هستند؛ زیرا نویسندگان با بینش‌های گوناگون و تحت تأثیر اندیشه‌های خود این واقعه را روایت کرده‌اند. جریان‌های «غلو»، «پُر رنگ شدن عنصر عاطفه» و «بینش مشیت انگارانه» بر رخداد کربلا تأثیر داشته است. از نمونه‌های بازگفت غالیانه و خوانش روایت به صورت غیرطبیعی در مورد عاشورا می‌توان به تأکیدات ملا آقادر بندی بر «هفتاد و دو ساعت» بودن روز عاشورا اشاره کرد. این فرضیه که به صورت بدیهی قابل انکار است در متن خود قرائتی ماورایی و قدسی دارد که درصدد غیرطبیعی جلوه دادن اصل ماجرا و بالابردن جایگاه امام حسین علیه السلام است. در بندی (۶۰۷) علاوه بر تحریف و اغراق در تعداد مقتولین سپاه دشمن به دست امام حسین علیه السلام که آنان را «سیصد، یا صد و لااقل پنجاه هزار» دانسته و عبارت «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله: که روزی مانند روز تو نیست ای حسین» را به معنای طول کشیدن روز عاشورا آورده و دلایلی متکی بر عاطفه و احساس و عبارات حزن انگیز را در اثبات آن بیان کرده است. بنابراین وجود تحریف

با اغراض گوناگون در بازتاب روایت عاشورا در متون این دوره نمایان است. بر این اساس می‌توان از تأثیرگذاری این نوع از برداشت‌ها در کتاب‌های تاریخی عهد قاجار پرده برداشت. برای نمونه این امر در ورود شخصیتی در تعزیه به نام «ایلچی فرنگ» و نیز «سنت نذری» نمود داشته است.

۳) ایلچی فرنگ: تحریف در مناسک عاشورا

پذیرش هیمنه و فرهنگ دولت‌های بزرگ فرنگی در دربار قاجار، این فکر را در مردم نیز جاری ساخته بود؛ به گونه‌ای که مهمترین مناسک مذهبی نیز رنگ‌وبویی فرنگی به خود می‌گرفت. اعتمادالسلطنه (روزنامه خاطرات، ۵۹۱) از تعزیه‌هایی با حضور سفرای کشورهای اروپایی سخن می‌گوید که بازیگران آن خود را از لحاظ ظاهری شبیه فرنگی‌ها کرده بودند.

از نمونه‌های تأثیرپذیری فرهنگ سستی و مذهبی در تعزیه، شخصیتی به نام ایلچی فرنگ است که به اذعان مستشرقین، در منابع تاریخی از او مطلبی نبوده‌است (فیودورکورف، ۲۴۲). گویا با این کار قصد داشتند به اهل سنت (نیبور، ۱۹۱) و یا به سفرا و افراد ذی‌نفوذ سفارت‌خانه‌هایی که به تماشای تعزیه می‌آمدند بفهمانند که مسیحیان نیز رابطه خوبی با امام علیه السلام داشتند. ایلچی فرنگ سفیر خیالی یکی از کشورهای اروپایی در بارگاه یزید بود که در حمایت از کشتار اهل بیت علیهم السلام به یزید اعتراض می‌کند و بر اثر همین اعتراض مسلمان شده و به شهادت می‌رسد. «معمولاً اشتیاق فراوانی وجود دارد که مدل لباس این سفیر حتماً به صورت اروپایی باشد» (لیدی‌شیل، ۶۷). می‌توان ورود اینگونه ابداعات در مناسک عاشورا را در جریان اصل تحریف با اهدافی خاص برشمرد. به همین دلیل عالم برجسته‌ای چون شیخ جعفر شوشتری به سبب وجود خرافات در تعزیه، با اصل تعزیه مخالفت کرده بود (باستان، ۱۸).

۴) فرهنگ نذری: سنتی آمیخته با خرافات

به‌طور کلی سنت یکی از جریان‌های اصیل در اوضاع فرهنگی ایران دوره قاجار به‌شمار می‌آید و فرهنگ دینی در بیشتر اوقات از آن متأثر می‌شده‌است. رسم نذری و

قربانی کردن برای اولیای دین به عنوان سنتی دینی در متون تاریخی این عهد نمایان است و به این معناست که مذهب در فضای کلی جامعه قاجاری نقشی بسزا داشته است. در این فرهنگ دینی افراد کم درآمد، همپای تجار و متمولین جامعه به این امر مبادرت می‌کردند. مستوفی (۲۸۵/۱) به نذر فقرا و افراد بی‌بضاعت توجه داشته و درباره رسم نذری ماه محرم و تأثیرپذیری این فرهنگ در عرف مردم پرده برمی‌دارد. «بعضی هم نان و ماست نذر داشتند. این نذری، نذر حضرت عباس بود»^۱. مستوفی به فضای حاکم بر خانواده‌های افراد ثروتمند نیز پرداخته و از وجود خرافات و آمیختن آن با مناسکی چون نذری سخن گفته است (همان، ۲۸). نهادینه شدن این نوع از خرافات در جامعه باعث شده بود که این امور مستحدثه، سنن عاشورایی قلمداد شده و جلوه‌ای تقدس‌آمیز به خود بگیرد.

۵) فرهنگ چهل و یک منبر: تأثیرپذیری از افکار و عقاید ایرانی

این مراسم از سنت‌هایی بود که صورت فرهنگ ثابت دوره قاجاری درآمده بود. با آمدن ماه محرم بسیاری از مردم و رجال حکومتی مقید بودند تا در طول یک شب به چهل و یک منبر عزا بروند. به نظر می‌رسد مقید بودن رجال درباری به این سنت برای آن بوده که با توجه به رفت و آمد مردم در این اماکن، آنان نیز در این محافل مشاهده شده و نوعی مشروعیت و مقبولیت بین عموم مردم برای آنان حاصل می‌شده‌است. اعتمادالسلطنه (روزنامه خاطرات، ۹۷۱) از رجال درباری نیز از رفتن خود به این محافل خبر می‌دهد.

آگاهی‌های مذهبی مردم گاهی اوقات با عاداتی که به گونه‌ای انتقالی در سطح اجتماع و یا خانواده رواج داشت، مخلوط می‌شد. سنت چهل و یک منبر که در پای هر کدام شمعی روشن شود، از عاداتی بود که به نوشته مستوفی (۳۰۳/۱) عادت ایرانی بود که رنگ و بوی مسلمانی به خود گرفته است. او احترام ایرانیان به نور و آتش را علت

۱. مستوفی تاریخ تحولات اجتماعی دوره قاجار را با زبانی رسا نگاشته و آداب و رسوم عامه مردم را در مراسم گوناگون تشریح کرده است.

این امر دانسته که با تغییراتی، در اجرای مراسم محرم نیز از آن استفاده شده است. بدین ترتیب در متون تاریخی به روشنی تحریف در رخداد عاشورا و مناسک و سنن در ارتباط با آن مشهود است.

گفتمان عاطفی

از دیگر گفتمان برجسته‌ای که مورخین دوره قاجار از آن بهره برده‌اند، گفتمان «عاطفی» است که در نهادهای سازی سطحی نگری و توجه افراط گونه به ظواهر سنن عاشورایی تأثیر داشته است. انعکاس این وجه از واقعه کربلا در کتاب‌های تاریخ‌نویسی آن دوره با هدف خاصی صورت گرفته که گاه مورخ فارغ از این جریان اما در خدمت آن به بازتاب رخداد عاشورا از منظرهای مذکور مبادرت کرده است. دربار قاجاری از گفتمان احساسی بهترین و بیشترین بهره را برده است. عنصر عاطفه از مؤلفه‌های اصلی رفتاری انسان به شمار آمده که فقدان آن در انسان زندگی او را از شور و احساس تهی می‌کند (لطف آبادی، ۴۸). از مؤلفه‌های مهم عنصر عاطفه «موضوع داشتن، ارزشمندی بودن و باورمندی» است (میرشمسی و جوادی، ۲۰۴، ۲۱۴). متعلق عاطفه، عاشورا است؛ عاطفه بر این رخداد بار شده منجر به احساس درد در مخاطب می‌شود. حکمی که عاطفه بر آن انطباق می‌یابد، فرد خاص یا کار ویژه‌ایست که در رستگاری شخص تأثیر مستقیم دارد (همان، ۲۱۲). بدین ترتیب گفتمان عاطفی با توجه به کلیدواژه‌گانی چون «باور، ارزش، موضوع مدار بودن» که در متن خود دارد، از قرائت‌های جدایی ناپذیر در ارتباط با قیام عاشورا به شمار می‌رود. این رهیافت از رخداد کربلا در کتاب‌های تاریخ‌نویسان دوره قاجار برجستگی خاصی دارد. عظمت مصیبت حاصل از واقعه عاشورا به گونه‌ای بوده که نویسندگان و مورخان فارغ از این زاویه نمی‌توانستند به موضوع پردازند. اهتمام مورخین به ثبت گزارش‌های احساسی تمرکز آنان به برجسته‌سازی احساسات از این رخداد بوده است. گفتمان عاطفی و احساسی جدای از واقعه کربلا نبود. این گفتمان فصول زیادی از مقاتل و وقایع نگاری‌ها را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد از اهداف نهادهای ساختن این گفتمان توجه افراط

گونه به احساس و عاطفه در مقابل تفکر در حقیقت پیام عاشورا است که رفع ظلم و بی‌عدالتی از جلوه‌های بارز آن به شمار می‌رود. ترویج این سبک مورد پذیرش حکومت‌ها بوده‌است و گاه افراد برجسته حوزوی نیز به صورت ناخواسته و با اهداف دیگر مانند تأثیرگذاری بر مخاطبین در این مسیر گام برمی‌داشتند. دربندی از شخصیت‌های شاخص قرن سیزدهم و از علمای برجسته حوزه‌های نجف و کربلا است (جعفریان، ۱۲). اعتمادالسلطنه (المآثر والآثار، ۱/۱۸۹) او را همسنگ شیخ مرتضی انصاری شمرده که پس از تکمیل تحصیلات به دارالخلافه آمده و «مقدم مکرمش به انواع احترامات پذیرفته شد». دربندی پس از گذراندن دروس حوزوی به تاریخ‌نگاری عاشورا روی آورد. خروش احساسات در نگارش او در واقعه‌نگاری عاشورا تمیز دهنده سبک او از دیگران است. او در عصر قاجار در زمره نویسندگان و مورخان مذهبی است که در پررنگ کردن احساس و عاطفه درباره وقایع عاشورا آثاری پدید آورده است. نشر ملاآقا و نوع نگارش او منحصر به فرد، بدیع و شورانگیز است. به نظر می‌رسد گزینش این سبک از سوی او برای تأثیر بیشتر بر خواننده صورت گرفته است. دربندی به دلیل آنکه واعظ و منبری بود، نهایت استفاده را از این رویکرد داشته است. ملاآقا در بیان حال حضرت علی‌اصغر می‌آورد «طفل رضیع وقتی که استغاثه پدر مظلومش به گوشش رسید مضطرب و متزلزل شده خود را از گهواره انداخت و به آواز بلند گریه نمود» (دربندی، ۵۹۶). ملاآقا در مقام تحلیل برنمی‌آید که چگونه طفل سه ماهه توان درک ناله پدر را داشته و عکس‌العمل متناسب با آن را از خود نشان دهد. او در نتیجه این عبارت می‌گوید: «و همه این‌ها مشعر بلکه شاهد بر این است که ذات آن نور انور طالب شهادت و یاری کردن پدر مظلومش به جان بخشیدن شد» (همان، ۵۶۴). از رهیافت‌های نتایج این روایت که ملاآقا درصدد تثبیت آن در جامعه است می‌توان به سطحی‌نگری و پذیرش روایات عاطفی صرف، بدون تحلیل عقلی اشاره کرد. این امر جامعه هدف را افرادی تک بُعدی و هیجانی به بار آورده که می‌توان با کمترین دلیل و برهانی از شور و احساس آنها در راه اهداف خود بهره برد. سپهر (۴۸۱) نیز از مورخانی به شمار می‌رود که در بیان وقایع احساسی از عاشورا تأکید بسیار دارد. او

رفتن امام حسین علیه السلام بر بالین حضرت عباس علیه السلام را به گونه‌ای ترسیم کرده تا خواننده را نسبت به مظلومیت امام علیه السلام متأثر سازد (نیز نک. سید بن طاووس، ۱۷۰). از وقایع حزن‌انگیزی که معتمدالدوله (۳۲۸-۳۲۹) آن را بیان کرده، کیفیت شهادت قاسم پسر امام حسن علیه السلام است. در حقیقت تبیین این نوع گفتمان و برجسته‌سازی آن، به حاشیه رانی تفکر و تعقل در باب اهداف عاشورا منجر شده‌است.

(۱) تحریک عواطف و احساسات

روایات متون فوق‌الذکر به صورت کلی در تشویق و انگیزش مخاطب به بروز احساسات نقش محوری داشته‌اند به گونه‌ای که در غالب افراد جامعه و گروه‌های گوناگون ظهور و بروز داشته است.

(۲) لوطی‌ها: ابراز احساسات با وسایل غیر متعارف

این قشر همسنگ دیگر گروه‌ها با روحیه خاص خود به ابراز احساسات و عواطف نسبت به مناسک و عزاداری محرم می‌پرداختند. مستوفی (۳۰۰/۱) از هزینه کردن آنها برای برپایی محفلی تحت مدیریت خود و هم مسلکانشان سخن گفته است. اعتمادالسلطنه (وقایع روزانه، ۱۸۸) از مشاهده عزاداری با چوب و چماق و قمه‌زنی آنها یاد کرده است. بدین ترتیب آشکار شدن عواطف و احساس با اشکال مختلف در فضای حزن‌انگیز محرم در دور قاجاری دیده می‌شود.

(۳) جراحت وارد کردن به بدن در مراسم

جراحت وارد کردن به بدن در روز عاشورا و با ابزارهایی مانند شمشیر و نیزه، ناشی از روایاتی بوده که مورخین در ارتباط با هجوم دشمن و زخمی و کشته شدن امام علیه السلام و یارانش ثبت کرده‌اند. این فرهنگ از دیرباز میان برخی شیعیان وجود داشته و آنها از این طریق به تسکین آلام درونی خود مبادرت می‌کردند. سپهر (۴۴۵) جانبازی یاران امام علیه السلام در برابر تیرها هنگام نماز را به تصویر کشیده است. معتمدالدوله (۳۳۳) به چگونگی شهادت حضرت عباس علیه السلام اشاره دارد که با شمشیر، نیزه و تیر او را شهید کرده‌اند. دربندی (۶۵۷) از ورود امام حسین علیه السلام به میدان سخن گفته که با شمشیر و

نیزه و تیر ایشان را از پشت اسب به زمین انداخته و شهید کردند. به همین دلیل و با تأثیرپذیری از این نوع روایات و بیان آنها در مجامع عزاء، «قمه‌زنی» به عنوان ابزاری برای ارادت به امام حسین علیه السلام مطرح شده است. این حرکت در دوره قاجار بازتاب‌های گوناگونی به همراه داشته است. قمه‌زن‌ها در مکانی مقدس مانند امام زاده‌ها به این کار مبادرت می‌کردند (معیرالممالک، ۶۷). به نظر می‌رسد این حرکت مورد تأیید حکومت بوده است؛ به همین دلیل تیغ‌زن‌ها هر ساله از دولت خواستار آزادی زندانیان بودند و حکومت نیز به خواسته آنان توجه می‌کرد (همان، ۶۷). قمه‌زنی در آثار مستشرقین نیز بازتاب داشته است. دوسرسی (۱۵۸) به بدن‌های خون آلود قمه‌زن‌ها اشاره کرده و با تعجب از آن کار، علت این امر را بزرگداشت شهدا دانسته است. سیاح (۹۱) به عنوان نقادی بی‌پروا بدون کمترین ملاحظه‌ای کسانی را که به بدن خود زخم وارد می‌کنند، احمقانی می‌شمارد که توسط مجریان امور دینی به این کار واداشته شده‌اند. سیاح در تحلیل خود، وجود این دست حرکات را ناشی از فضای بسته و سنتی آن دوران دانسته و فقدان اماکن تفریحی و تماشاخانه را سبب این امور برشمرده است.

تبیین نقش زن در رخداد و مناسک عاشورا

به دلیل نقش انکار ناشدنی زنان در رخداد کربلا و وقایع پس از آن، عنصر «زن» در متون مورخین و مستشرقین پنهان نمانده است. معتمدالدوله (۷) که تاریخنگار حکومتی به شمار می‌رود و سال‌ها از طرف دولت قاجار حاکم فارس بود؛ با ثبت گزارشی از رفتن وهب و مادر او به میدان، علاوه بر انعکاس احساسات از رویداد کربلا به ترسیم حالات یک زن شجاع در مکتب امام حسین علیه السلام روی آورده است (همان، ۳۱). ملاآقا نشان داد که سکینه دختر امام حسین علیه السلام در شب عاشورا در نهایت حزن و اندوه بوده و همه زنان حرم امام علیه السلام نیز به خاطر ناله‌های او ناله گریه می‌کردند (دربندی، ۱۵۴). به دلیل حضور چشمگیر زنان در رخداد کربلا دیگر متون تاریخی دوره قاجار نیز به نقش زنان و کیفیت عزاداری آنان اشاره کرده‌اند. دربار قاجار در بُعد دینی و به‌ویژه در ارتباط با مناسک عاشورایی تحت تأثیر فضای کلی جامعه قرار داشت؛ به گونه‌ای که در روز

عاشورا در دربار، تکیه زنانه برپا می‌شد و برخی از زنان خاندان قاجاری به روضه‌خوانی پرداخته و تمامی زنان در آن محفل عزاداری می‌کردند (عضدالدوله، ۳۴-۳۵). در مراسم این دوره به‌خصوص پس از ساخته شدن تکیه دولت حضور زنان در مراسم چشمگیر و در نهادینه کردن فضای غم و اندوه در آن مکان‌ها موثر بوده‌است. بل (۴۳) به حضور زنان در تعزیه و نحوه نشستن و لباس‌های آنان توجه کرده‌است. سیاح (۸۸) به ترسیم فضای تکیه دولت هنگام برپایی تعزیه پرداخته و نوشته، تأثیر آن مکان بر زنان به گونه‌ای بود که به صورت غیرمعمول صدای خود را بلند کرده و فریاد می‌زدند. لیدی‌شیل (۷۰) تحت تأثیر فضای حزن انگیز قسمت زنانه تکیه دولت قرار گرفته و گاهی اوقات تحت تأثیر فضای آنجا او نیز متأثر می‌شده‌است.

تقدیرگرایی

تقدیرگرایی و بینش جبر از جمله گفتمان‌هایی به شمار می‌رود که همواره مورد توجه حاکمیت بوده و در لوای آن علاوه‌بر کسب مشروعیت به دلیل انتساب به خداوند، تمام امور را از پیش تعیین شده و منتسب به خدا می‌شمارد. حکام و پادشاهان اسلامی به صورت مستمر از این بینش حمایت می‌کردند.

نگرش جبر به معنای مصلوب‌الاختیار بودن بشر در برابر مقدرات الهی ریشه در قرون اولیه اسلامی و نزاع‌های عقیدتی متفکران آن عصر دارد. جبریه اراده‌ای برای انسان قائل نبوده و همه امور را به خداوند و اراده او منتسب می‌دارند (جعفری، ۲۱۹). این نوع برداشت از امور برای حاکمان و حکومت‌ها مطلوب تلقی می‌شد؛ بدین ترتیب افعال پادشاهان و نحوه عملکرد دولت‌ها بر اساس بینش جبر توجیه می‌شد. چنانکه خواهد آمد پادشاهان قاجار خواهان این نوع برداشت از واقعه عاشورا بودند که در صورت نهادینه ساختن این امر، بدون رقیب شده از انقلاب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کردند. ارائه اطلاعات تاریخی و روایت گزارش‌هایی با رنگ‌وبوی جبر از عاشورا در آثار مورخان دوره قاجار دیده می‌شود. ترسیم قیام عاشورا با نگاه جبرگرایانه مواردی مانند علت قیام امام حسین (علیه السلام)، شرایط سیاسی و اجتماعی آن عصر و تحریف مفاهیم

اسلامی توسط حکومت وقت را نادیده می‌انگارد و تنها با بینش تک‌ساحتی موضوع را بررسی می‌کند. این نگرش امثال اوامر الهی و عمل به تکالیف را عامل شهادت امام حسین علیه السلام عنوان می‌کند. به نوشته شوشتری (۱۴۷)، «از همان ابتدای هجرتش از مدینه به مکه و سپس به کربلا قصدش امثال امر الهی بود با این نیت که آنچه بر او واقع می‌شود قربه الی‌الله است»؛ این گزارش‌ها به نوعی رضایت در برابر تقدیرات الهی است. او در ادامه می‌نویسد: «خداوند برای من و کسانی که همراه من هستند شهادت را مقدر فرموده است» (همان، ۱۳۵). شوشتری (۵۸) شکل‌گیری واقعه عاشورا را فرمانی از جانب خداوند می‌داند و می‌گوید به این دلیل امام حسین علیه السلام این حادثه را رقم‌زده است که فرمانی از تکالیف خاص خودشان را به‌جای آورده باشد و در نتیجه برای کسانی که به وسائل حسینی متوسل می‌شوند اجر و مزد تکالیف ارشادی و استجابی حاصل می‌شود. در گزارش‌هایی که معتمدالدوله (۴۱۴) در کتاب *قمقام زخار* ارائه می‌دهد نیز بازتاب اندیشه جبر مشهود است. به نوشته معتمدالدوله (۲۴۲)، در گفتگوی امام حسین علیه السلام با محمدحنفیه، امام علیه السلام نخست خواب خود از پیامبر ۹ در مورد شهادت خود را شرح داده و در پایان نیز اسارت خاندانش را از پیش تعیین شده می‌داند. انعکاس روایات جبر محور از واقعه عاشورا و تبیین آن توسط مورخان و نویسندگان دوره قاجار دربردارنده این اندیشه است که با توجه به مفهوم جبر، قیام امام علیه السلام امری از پیش تعیین شده و مشیت الهی بر آن استوار شده بود. این نوع گفتمان ماورایی بر خلاف دیگر رویکردهای مورخین که جوانب مادی و ظاهری را در نظر گرفته بودند؛ حقیقت و غایت قیام امام علیه السلام را به محاق برده، مخاطب را از درک واقعیت ماجرای عاشورا بی‌بهره می‌سازد. حکومت‌ها مدافع سرسخت این نوع تفکر به شمار می‌روند. در این بینش، نزاع با حاکمان به معنای دخالت در امر خداوند و تقابل میان مردم و حاکمیت، تجرّی بر اراده الهی تفسیر می‌شود. گسترش مناسک عاشورایی که مقبولیتی تام در میام عموم مردم داشت بهانه مناسبی برای دربار قاجار به شمار می‌رفت. نوسانات اجتماعی در عصر ناصرالدین شاه مانند قحطی بزرگی که لایه‌های اجتماع را درنوردیده و دربار قاجاری را با مشکل مواجه ساخته بود و مشکلاتی از قبیل گرانی نان (وقایع

اتفاقیه، ۱۲۳؛ بروگش، ۶۳۰)، خوردن انسان به خاطر گرسنگی (جابری انصاری، ۵۰؛ صفت گل و گری، ۱۱۷)، به گونه‌ای که اصطلاح «بچه خوره» برای ترساندن بچه‌های بازیگوش آنان را مؤدب می‌ساخت (افضل الملک، ۳۹۴/۲)، شیوع دزدی‌های سامان یافته در روزگار قحطی (وقایع/اتفاقیه، ۴۴۳؛ بروگش، ۵۶۲)، عمومیت یافتن دغلکاری و غش در معامله (وقایع/اتفاقیه، ۴۴۵)، به گونه‌ای که برخی گوشت نجس و حرام مانند سگ را به جای گوشت گوسفند غالب کرده (صفت گل و گری، ۱۳۶) و پدیده خودکشی (طاهر احمدی، ۶۵۴) را به وجود آورده بود. حکومت قاجاری و درباریان نیز از مراسم عاشورا و مناسک مربوط به آن در جهت مشغول شدن مردم با امر عزاداری و حمایت از روایت‌های مشیت انگارانه از واقعه عاشورا پشتیبانی جدی به عمل می‌آوردند (هدایت، ۸۷؛ معیرالممالک، ۶۵؛ عضدالدوله، ۳۴). پرداخت «تشریفات و انعامات وافره و عطیات متکاثره» (افضل الملک، ۲۱/۲) در دوره مظفری و تقدیم هدایا به عزادارن را می‌توان در امتداد حمایت دربار از فضای موجود، به وجود آمدن رضایتمندی در عزاداران و کسب مشروعیت برای شاه و دربار به حساب آورد. این رسم به گونه‌ای شده بود که عزاداران شب‌ها به درب اماکن دولتی مانند دارالصداره رفته و بعد از ادای مراسم، هدایایی دریافت می‌کردند (همان، ۲۳۱/۲).

اندیشه جبرگرایی در متن جامعه قاجاری نهادینه شده بود. این اندیشه علاوه بر نابسامانی‌های اجتماعی، برداشت نادرست از مفاهیم دینی و ترویج روایتی جبرآلود از واقعه کربلا در اذهان مردم رسوخ کرده و حتی در برابر معالجه مرض وبای سال ۱۲۷۱ش بر پزشکان خرده می‌گرفتند و کار آنان را دخالت در کار خداوند می‌دانستند (wishard, 177, 213). توجه افراط گونه به بینش جبرگرایی در انطباق کامل با اهداف و خواسته‌های حکومت بود؛ زیرا در این اندیشه بندگان بدون اختیار، مجری اوامر خداوند به شمار می‌روند و کار صورت گرفته توسط شخص، ضمانتی الهی یافته گرچه در نهایت زشتی و شر باشد (عسکری، ۵). درباریان نیز از آن به عنوان دستاویزی کارآمد برای مهار اجتماع و توجیه کارهای خود استفاده می‌کردند. این امر به جای تعمق در معنا و مفهوم عزاداری و اهداف حقیقی قیام عاشورا باعث می‌شد، درک

عظمت واقعه و تأثیرات آن در زندگی روزمره مردم نادیده انگاشته شود.

نتیجه

تحلیل وقایع تاریخی زیر سایه گفتمان موجود در جامعه قرار دارد و گفتمان موجود بر روش و بینش مورخان تأثیر مستقیم می‌گذارد. بخشی از مشی تاریخنگارانه در دوره قاجار به‌ویژه در ابتدای آن و هنگام جنگ‌های ایران و روس به جریان حاکم مرتبط بوده که به تبع آن مورخین بازتابی حماسی در روش خود به کار گرفتند. این امر آنان را از رهیافت‌های اصیل تاریخ‌نویسی دور کرد و تمامی موضوعات حول محور حماسه تحلیل می‌شد. قرائت حماسه محور از رخداد و مناسک عاشورا در دوره قاجار نیز متأثر از این فضا بوده‌است. تکیه پژوهش حاضر بر چهار گفتمان حماسی، عاطفی، خرافه محور و تقدیرگرایانه است که تحت تأثیر شرایط جامعه قاجاری مطرح و بررسی شده‌است. اثر بخشی گفتمان حماسی در برانگیختن حس دفاع از وطن و ترسیم جایگاه شهادت برجسته بود. نتیجه گفتمان خرافه محور در ورود ابداعات و خرافه‌ها در اصل رخداد و مناسک مربوط به آن خود را نشان داده است. گفتمان عاطفی که دربردارنده متون پر از سوز و گداز بود، عموم مردم را متأثر می‌ساخت و در برجسته کردن و تحریک احساسات تأثیر داشت؛ به گونه‌ای که در لایه‌های گوناگون اجتماع به‌صورت مختلف خود را نشان داده است. گفتمان تقدیرگرایانه به عنوان هدیه‌ای گران‌بها و ابزاری کارآمد برای مهار اجتماع ناراضی و نیز مشروعیت بخشی به دربار به‌کار رفته که از نتایج آن می‌توان به تثبیت اوضاع نابسامان عهد قاجاری اشاره کرد.

منابع

- اعتمادالسلطنه، علی قلی میرزا، وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه، تهران، علمی، [بی تا].
- _____، روزنامه خاطرات، ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰ ش.
- _____، اکسیر التواریخ، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، ویسمن، ۱۳۷۰ ش.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، المآثر و الآثار، ایرج افشار، [بی جا]، ۱۳۶۲ ش.
- افضل الملک، غلامحسین، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ ش.
- باستان، نصرت الله، «شبه خوانی و تعزیه خوانی»، خوشه، ش ۱۰، اردیبهشت، ۱۳۴۶.
- بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران، تهران، بانک مرکزی، ۱۳۵۷ ش.
- بروگش، هیزیش، سفری به دربار صاحبقران، ترجمه کردیچ، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۸ ش.
- بل، گرترو، تصویروهای از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳ ش.
- جابر انصاری، حاج میرزا حسین خان، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، به کوشش حسین عمارزاده، بی جا، ۱۳۳۱ ش.
- جعفری، محمد تقی، جبر و اختیار، تهران، انتشارات ولی عصر، [بی تا].
- جعفریان، رسول، ملاآقا دربندی و مقتل نگاری، قم، مورخ، ۱۳۹۸ ش.
- جهانگیر میرزا، تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال، تهران، علمی، ۱۳۲۷ ش.
- حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ش.
- دربندی، ملاآقا، جواهرالایقان و سرمایه ایمان (در مقتل سیدالشهدا)، به کوشش محمد قربان پوردلاور، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۶ ش.
- دنبلی، عبدالرزاق، مآثرالسلطانیه، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۹ ش.
- دهقان نیری، لقمان و همکاران، «میرزای قمی و حوادث سیاسی، اجتماعی و مذهبی عصر او»، تاریخ، سال دوم، ش ۷، زمستان ۱۳۸۶، ص ۸۹-۱۲۲.
- دوسرسی، کنت، سفارت فوق العاده کنت دوسرسی، ترجمه احسان اشراقی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
- رمضان نرگسی، رضا، «عزاداری در عصر قاجار»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، بهار ۱۳۸۵، ش ۱، ص ۵۳-۹۰.
- رنجبر، محسن، «جریان شناسی تاریخی رویکرد و قرائت حماسی - اسطوره ای از واقعه عاشورا»، تاریخ



- اسلام درآینه پژوهش، ش ۲۳، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۵۳-۱۸۰.
- _____، جریان شناسی تاریخی قرائت ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه با تاکید بر مقاتل، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
- _____، سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ امام حسین، به کوشش محمد محمدی اشتهاردی، قم، ناصر، ۱۳۸۳ش.
- _____، سیاح، حمید، خاطرات حاج سیاح، تصحیح سیف الله گلکار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۶ش.
- _____، سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، [بی جا]، دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۲۵ق.
- _____، شریفی شکوه، زینب، «آموزه های شیعی در متون تاریخی عصر قاجار از ابتدا تا پایان عصر ناصری»، راهنما: زهرا روح اللهی امیری، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۹۲ش.
- _____، شوشتری، شیخ جعفر، زیتون، ترجمه خلیل الله فاضلی، تهران، انتشارات دفاع، ۱۳۸۴ش.
- _____، صفت گل، منصور و جان گری، قم در قحطی بزرگ ۱۲۸۸ق، قم، مرعشی نجفی، ۱۳۷۷ش.
- _____، طاهر احمدی، محمود، تلگرافهای عصر سپهسالار، تهران، سازمان و اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰ش.
- _____، عسکری، مرتضی، الجبر و التفویض والقضا و القدر، قم، موسسه نور، [بی تا].
- _____، عضدالدوله، احمد میرزا، تاریخ عضدی، کرج، موسسه انتشاراتی سرو، ۱۳۶۲ش.
- _____، فیودورکورف، بارون، سفرنامه بارون فیودورکورف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، فکر روز، ۱۳۷۲ش.
- _____، قدیمی قیداری، عباس، «رویکرد مورخان قاجاری به اروپا و استعمار»، جستارهای تاریخی، ش ۱، دوره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۷۳-۸۸.
- _____، لطف آبادی، حسین، عواطف و هویت نوجوانان و جوانان، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰ش.
- _____، لمبتون، آ.ک.س. ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، جاودان خرد، ۱۳۷۵ش.
- _____، لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸ش.
- _____، مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۸۸ش.
- _____، معتمدالدوله، فرهاد میرزا، قمعخار و صمصام بشار، تصحیح غلامحسین انصاری، تهران، نشر بین الملل، ۱۳۹۳ش.
- _____، معیرالممالک، دوستعلی خان، یادداشت های از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ش.
- _____، میرشمسی، زینب السادات و محسن جوادی، «گزارش و ارزیابی نسبت عاطفه با شناخت از دیدگاه مارتانوسبام»، فلسفه و کلام اسلامی، دوره ۴۵، ش ۱، ۱۳۹۱ش، ص ۱۹۹-۲۲۳. Doi:

– ناظری، محمدرضا و عباس سرفرازی، «تحلیل تاریخنگاری شاهزاده جهانگیر میرزا در تاریخ نو»، تاریخ
نگری و تاریخنگاری، دوره ۲۷، ش ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۲۹-۵۴. Doi:

10.22051/HPH.2018.9428.1039

- نیبور، کارستن، سفرنامه کارستن نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا، ۱۳۵۴ ش.
- هدایت، مهدی قلی خان، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ۱۳۴۴ ش.
- وقایع اتفاقیه، [بی جا]، نوین، ۱۳۶۲ ش.
- یغمایی، اقبال، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، تهران، مرکز دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
- Widhard. g. *Twenty years in Persian*, New York, Fhemingh, Reveh Company, 1980.